

ریل الذی خلق الخلق الانسان من علق اقرا وریل الذی علم
 بالقلم علم الانسان ما لم یعلم فودا آنر وچیریل یا شنبه روز بیست و نهم
 وچینه آب طاهر کشت و حضرت رساله صلوات الله وسلامه
 علیه را تعلیم وضو و نماز کرد و در رکعت نماز بکزار و دقوی آنست
 که چیریل روز شنبه دوم از بخت و راعی که حضرت رساله علیه الصلوة
 والسلام مترک کشت و در جانب وادی یا شنبه بر زمین مایل و چینه
 آب پدید آمد و چیریل وضو کرد و در رکعت نماز بکزار و چیریل
 الصلوة والسلام یا موحی و زمان روز نماز بر رسول خدای صلی الله
 علیه و سلم فرض شد و چیریل نماز کرد و چیریل علیه الصلوة والسلام
 پیش خدیجه رفت و او را بر گرفت و بوسه چهره کرد و وضو تعلیم
 وی کرد و نماز با حضرت رساله صلوات الله وسلامه علیه بکزار و دقوی
 کی بجایان آورد و نماز بکزار و خدیجه بود و حضرت رساله علیه الصلوة
 والسلام فرمود که یا خدیجه چیریل حاضر است و سلام خدای نبوی بر ما
 خدیجه گفت سلام نام خدای آنست و از دوست و بر جبریل سلام
 باد بوقفاة یعنی الله عنه از حضرت رساله صلوات الله وسلامه
 علیه سوال کرد روز داشتن روز و شنبه چه سبب دارد آورد
 که هر زمان روز بوجود آمد و هر آن روز بیست و نهم و درین روز شنبه
 اختلاف کرده اند و قوی آنست که در شنبه نهم رمضان بود و چنانکه
 از پیش رفت و ابوقفاة گفته که بیست و نهم و چهارم رمضان بود

و ابوی از این تاریخ روایت کرده که مشتمل بر رمضان بود و قوی دیگر
 آنست که در ماه رجب بود چنانکه ابوی بر اینی الله عنه روایت کند
 که در یک روز نهم ماه رجب که اول روزی بود که چیریل حضرت
 رساله علیه الصلوة والسلام فرمود که در وقت نیوه آورد و روز دوازده
 او را ثواب شصت سال روز بدرصد و قوی دیگر آنست که دوازدهم
 ربیع الاول بود و عایشه یعنی الله عنها روایت کند که حضرت
 رساله صلوات الله وسلامه علیه اول وقت از چیریل نماز
 خواب راست بود و در چهره میزد و چون صبح صادق بودی شست
 بی شد و بعد از آن خالوة روست داشت و با کوسه میرفت
 و چند شبانه روز در عمارت مدومتی نمود و زوای آن چند روز
 یا خود بر می داشت و باز میگردید و دیگر خدیجه زوای چند روز
 دیگر ترتیب میکرد و با ناکا در غار خواتمی منزل شو و چیریل
 آمد و گفت بخوان پیغمبر علیه الصلوة والسلام فرمود که کنم من خوانده
 نیست پس مرا بگفت و گفت که تا بطافه رسیدم و در آن روز
 بخوان کنم من خوانده نیست و یکبار مرا بگفت و گفت که
 تا بطافه رسیدم و باز مرا کرد و گفت بخوان کنم من خوانده نیست
 و بیوم بار مرا بگفت و جان بخشید که بطافه رسیدم و دستار
 من برداشت و گفت اقرا یا سم ریل الذی خلق الخلق یا مالم یعلم
 بس حضرت رساله علیه الصلوة والسلام با تمام خدیجه رفت

و شریف م